

پایشگاه قدمگاه، نشانی از یک معبد مهری شاهکاری از عصر ساسانی

بررسی و نوشته

دکتر پرویز ورجاوند استاد باستانشناسی دانشگاه تهران
و مشاور سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران

برای رسیدن به معبد باشکوه قدمگاه از دو راه
میتوان استفاده کرد:

نخست راه ماشین‌رو که چهار کیلو متر بعد از
آذر شهر (بطرف مراغه) بصورت يك راه شنی در جهت
شمال و بطرف ده دین آباد امتداد مییابد. این جاده را
برای رادار ساخته‌اند و طول آن حدود هفت کیلو متر
است و کمی بعد از ده دین آباد بسمت ارتفاع بالای
تپه و محل رادار می‌پیچد و از آنجا بعمودیگر باماشین
نمیتوان رفت و باید پیاده فاصله تا ده قدمگاه را طی
کرد.

این فاصله را که از دامنه تپه و مهورها میگذرد
میتوان حدود یکساعت و نیم پیمود. ده قدمگاه یا
«بادامیار» دهی سرسبز و زیبا است که دارای درختان:
گردو - بادام - زردآلو و آلوچه میباشد. ده در دامنه
دره‌ای که در کف آن رودی کم آب جریان دارد واقع
شده است.

راه دیگر که بیشتر از آن رفت و آمد میشود تنها
با جیب قابل عبور است و از کنار پل آذر شهر
بطرف شمال امتداد دارد. بیشتر ساکنان قدمگاه برای
رفتن به آذر شهر از این راه استفاده میکنند. معبد
قدمگاه در ارتفاعات شمال ده و با فاصله کمی از
گورستان قدیمی و جالب ده که بر روی تپه‌ای بلند قرار
دارد، در دل صخره‌ای سخت ایجاد شده است.

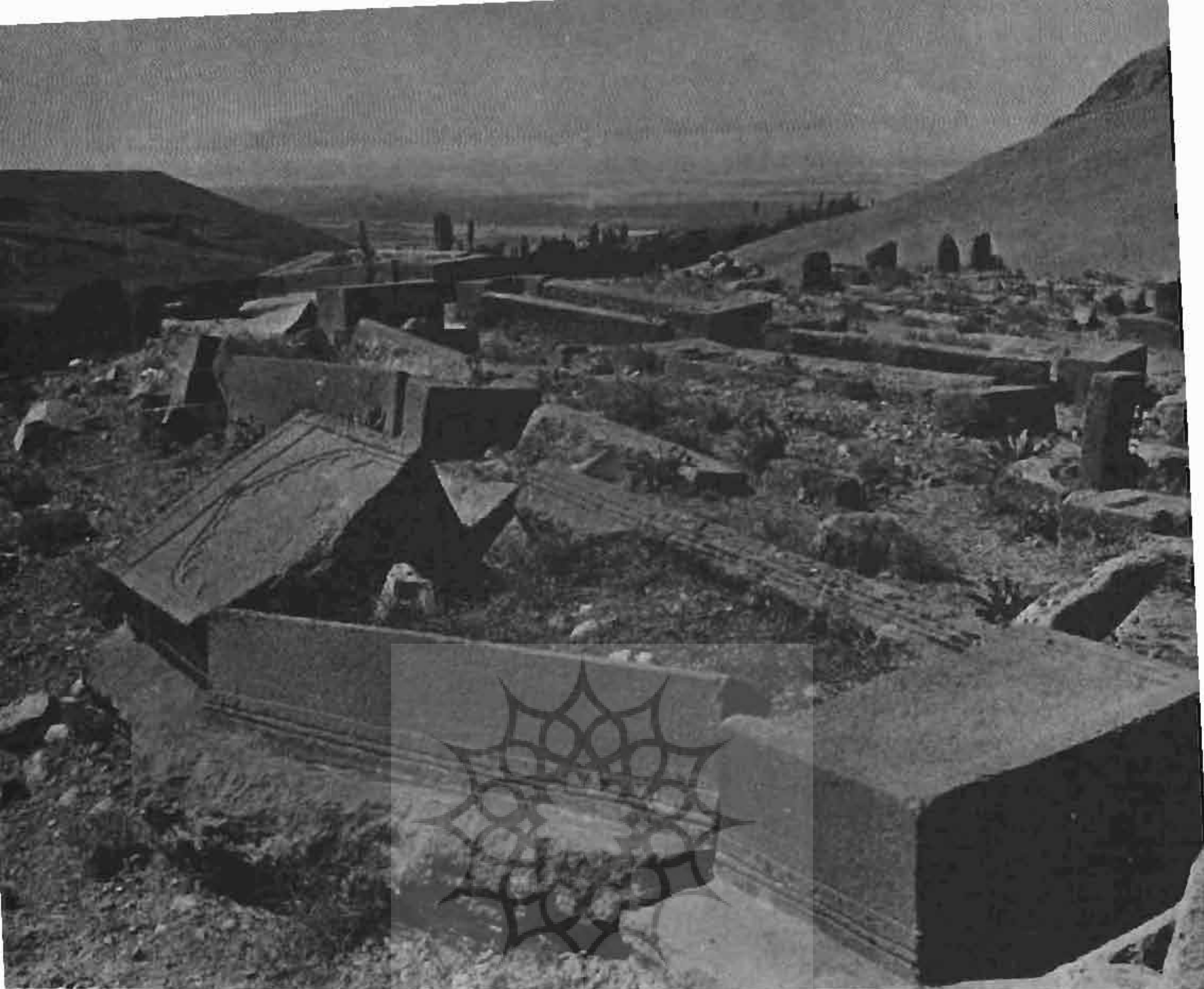
نمای خارجی معبد قدمگاه و ورودی آن:

منظر خارجی معبد قدمگاه بسیار ساده و چنانست
که امکان دارد در نظر اول حتی توجه فرد رهگذر را
بخود جلب نسازد. این منظر عبارتست از يك ورودی
کوچک در زیر يك پناهگاه صخره‌ای. صخره مزبور
برنگ خاکستری مایل به سفید و از صخره‌های رسوبی
است.

در پای صخره رودی جریان دارد و آبشاری کوچک
از صخره آنسوی رود بداخل آن میریزد و فضای جالب و
خوش منظری را عرضه میدارد.

- برای ورود به معبد باید از يك در چوبی ساده
کم ارتفاع گذشت و به‌اطاقی کوچک با اندازه‌های
 $2/50 \times 1/70$ و بلندی $1/75$ وارد شد. این‌اطاق
در واقع کفش‌کن معبد میباشد که از آنجا با گذشتن از
رودی اصلی به راهرو معبد وارد میشویم. ورودی
اصلی معبد که در دل صخره کنده شده عبارتست از يك
مستطیل کوچک که با يك قاب از سنگ مرمر مایل به
سبز زینت یافته است.

قاب‌سنگی مزبور مرکب است از دو پایه و يك قوس
سنگی بر روی آن. قطعه سنگی که بر روی دو پایه
قرار دارد چنان تراش داده شده که بالای ورودی را
بصورت يك قوس تیزه دار با دو لچکی در دو جانب
آن در آورده است. بر روی هر يك از لچکی‌ها نقش



تصویر شماره ۱- در این تصویر منظره عمومی و موقع طبیعی پیرامون ده «بادامیار» و قبرستان کهن مجاور نیایشگاه قدمگاه نموده شده است. چنانکه دیده میشود گورستان مزبور تعداد زیادی سنگهای بزرگ حجاری شده را در بر دارد که گذشته از ارزش تاریخی از نظر هنر حجاری نیز دارای اعتباری خاص هستند.

Gravure No. 1 Dans cette gravure on voit l'aspect général et la situation naturelle de l'alentour du village de «BĀDAMYĀR» et l'ancien cimetière au voisinage du temple de Ghadamgah. Comme on peut voir, il y a un grand nombre de pierres taillées, dans le cimetière, ayant une valeur spéciale dans le domaine de la sculpture, en plus de la valeur historique.

پس از گذشتن از ورودی به راهروی اصلی معبد وارد میشویم. طول راهرو $7/80$ متر و عرض آن

یک کل روزاس با دوازده گلبرگ بصورت برجسته کنده شده است. بالای تیزه قوس نیز نقش جالبی بصورت دو چند ضلعی متقاطع شبیه عدد هشت لاتین کنده شده است. ارتفاع از کف تا زیر تیزه قوس $1/15$ متر است و از اینرو برای ورود به معبد باید بطور کامل خم شد و قدم بدرون گذارد.

۱- این بنا در تابستان سال ۱۳۵۴ زمانیکه نگارنده در مرافه مشغول حفاری رصدخانه مراغه بود در جریان انجام یک بررسی در منطقه مورد بازدید قرار گرفت و برای نخستین بار در سطحی که درخورد این اثر است در این نشریه معرفی میشود.

حجاری این ورودی تزئینی چنین مینماید که از قرن هفتم نباید کهن تر باشد.

۱/۶۰ متر است. سقف راهرو بصورت گهواره مانند تراش داده شده است. راهرو معبد به اطاقی ختم میشود که ۲ × ۳/۵ متر طول و عرض آنست. از این اطاق با بالا رفتن از پله‌ای بعرض ۶۰ سانتیمتر و ارتفاع ۳۰ سانتیمتر به سطح محوطه اصلی وارد میشویم.

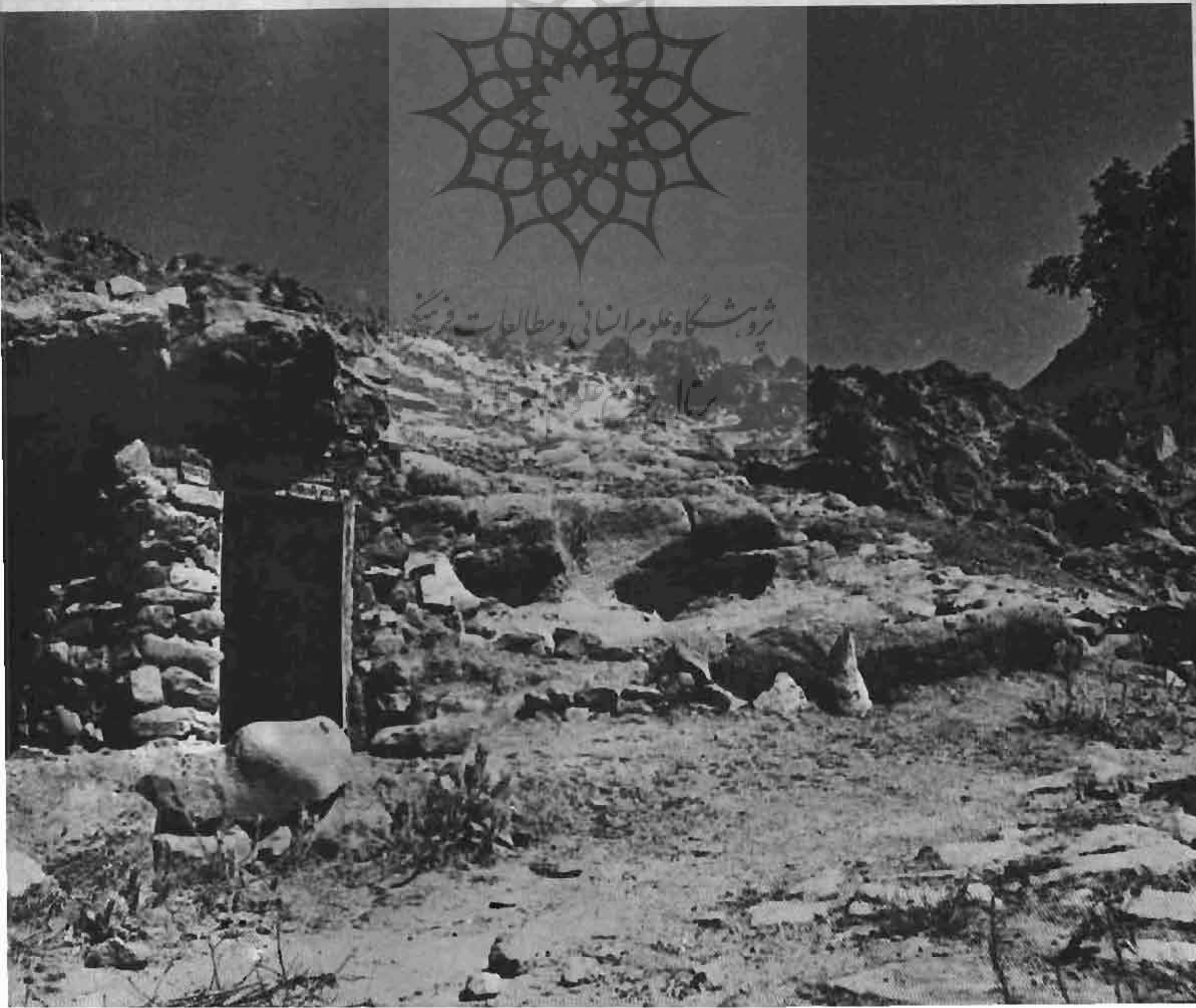
فضای داخل نیایشگاه:

فضای محوطه اصلی معبد قدمگاه یکی از جالبترین و پر جاذبه‌ترین فضاهائی است که میتوان درباره یک ستایشگاه کهن تصور کرد. این فضا که تمامی در داخل

صخره کنده شده عبارتست از مخروطی که قطر دایره قاعده آن بین ۱۵ تا ۱۵/۷۰ متر در نوسان است. ارتفاع مخروط ۱۲/۳۰ و قطر دهانه نورگیر بالای مخروط ۱۰۵ سانتیمتر است. دیواره مخروط بصورت منظم از پائین به بالا تراش یافته است. تنها در بدنه سمت راست راهروی ورودی است که با حجاری ساده يك محراب كوچك برخورد میکنیم. محراب مزبور عبارتست از يك قاب مستطیل شكل كه درون آن يك قوس تیزه‌دار و سه فرورفتگی بشکل مقرنس کنده شده است. بخوبی مینماید که ایجاد این محراب مربوط به دورانهای بسیار جدید است و بازمان ایجاد

تصویر شماره ۲- منظره عمومی صخره رسوبی که نیایشگاه «قدمگاه» در دل آن کنده شده است. در این عکس ورودی کوچک و نخستین نیایشگاه دیده میشود.

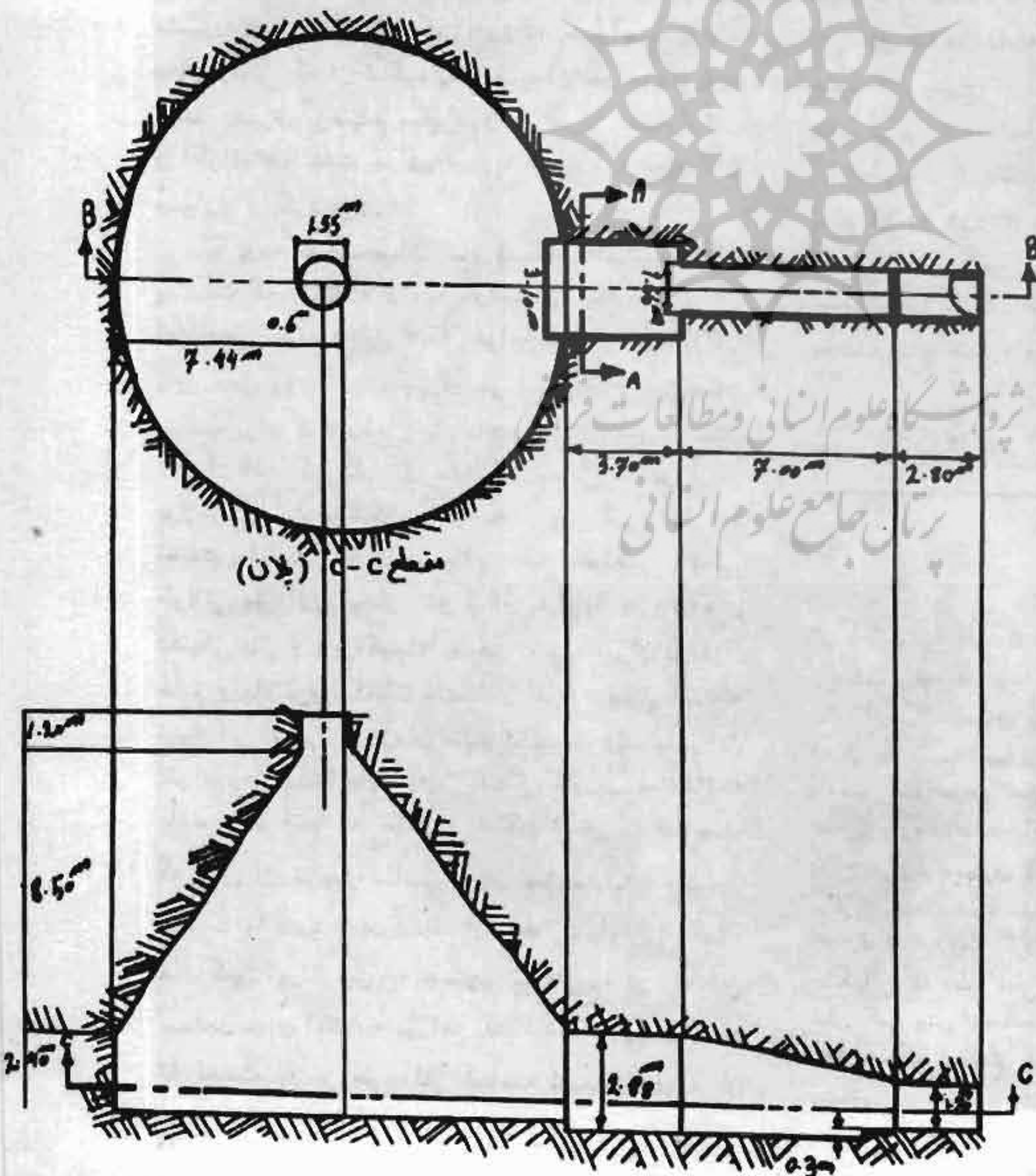
Gravure No. 2 - L'aspect général de la roche sédimentaire dans laquelle le temple de Ghadamgah a été taillé. Dans cette photo on voit la petite et la première entrée du sanctuaire.



بنانه از نظر تناسب و نه از نظر نحوه ایجاد ارتباطی ندارد. در نوك مخروط نورگیری بقطر ۱۰۵ سانتیمتر ایجاد ساخته اند تا روشنایی داخل بنا را از آنجا تأمین کرده باشند. دهانه نورگیر را با سه ردیف سنگ تراش مکعب مستطیل بگونه دهانه چاه طوقه بسته اند. باید گفت که با ایجاد این نورگیر در سقف، گذشته از روشن ساختن فضای داخل ستایشگاه به گونه ای هنر مندانه و بسیار موفق، توانسته اند فضائی خلق کنند که در هر بیننده کشش و جذبه ای خاص ایجاد کند. در داخل معبد بی اختیار نگاه انسان از روی دیواره شیب دار آرام آرام بسوی بالا متوجه میشود و به مرکز و نقطه فراز مخروط که منبع نور و روشنایی است خیره میماند و بانتظار میایستد تا مگر قرص خورشید با همه درخشندگی و جاودانگیش بر او چهره بگشاید. در مجموع باید گفت که با وجود تراش ساده و بدون پیرایه داخل معبد، استفاده ای که از تابش ذرات

زیرین نور بداخل ستایشگاه شده آنقدر آگاهانه و هنرمندانه صورت گرفته است که بیش از حد تصور عبادت کنندگان را تحت تأثیر قرار میداده و در حالت جذبه و شوق، عظمت و شکوه ایزدان و قدرت لایزال اهورائی را بر آنها مکتشف میساخته است. بنابراین میتوان چنین برداشت کرد که میان نحوه بنای معبد یا ستایش و بزرگداشت نور ارتباطی نیرومند وجود داشته است و خواست براین بوده تا عظمت و شکوه خورشید و پرتو درخشان شعاعهای آنرا که چون نیزه های زرین از آسمان بسوی زمین فرو میبارد در جالبترین و مطلوبترین فضا برستایش کنندگان قدرت اهورائی عرضه بدارند و به بیان دیگر استفاده از تابش نور خورشید در روز و با احتمال نظاره و هم انگیز آسمان در شب عواملی بوده اند که در شکل بخشیدن باین ستایشگاه پر جذبه و خیال انگیز که هر انسان معتقدی را سخت تحت تأثیر قرار میدهد نقشی مهم برعهده

(نقشه شماره ۱)



نقشه بنای ستایشگاهی قدیمه

واقع در ارتفاعات آندوش.

Fig. No 4

PLAN ET COUPE DU MÊTREUN DE GANDOMAN

مقطع B-B (تصویر)

مواضع اجزای

های: ۱

داشته‌اند.

— در مورد کاربرد و ارتباط این معبد با آئین‌های شناخته شده با توجه به جنبه‌های مختلف می‌توان پنداشت که:

— نخست معروف شدن این بنا به مسجد سنگی چنانکه در محل آنرا باین نام می‌خوانند چیزی است که شاید از عهد صفویه عقب‌تر نرود. دو دیگر اینکه با گورستان مجاور آن که آرامگاه تنی چند از بزرگان اهل تصوف چون: **خواجه علی و پیرچوپان** را دربر می‌گیرد، باید که ارتباطی نزدیک میان این اثر و نقش و موقع آن بزرگان قائل گشت و بنا بر این آنرا باید خانقاهی معتبر و به اعتباری معتبرترین خانقاه منطقه دانست. در این باره میدانیم که **خواجه علی** که او را «شیخ المشایخ» و «قطب المحققین» لقب داده‌اند از مریدان «خواجه یوسف دهنوارقانی» عارف بزرگ بوده که بعد از او در «بادامیار» خانقاهی ترتیب میدهد و به ارشاد مریدان می‌پردازد. پس از او **خواجه ابواسحق ابراهیم مشهور** به **پیرچوپان**، برادرزاده **خواجه یوسف دهنوارقانی** که از شاگردان و مریدان **خواجه علی** بوده سمت رهبری برعهده می‌گیرد و در تبریز، دهنوارقان و اطراف آن هفت «زاویه» برپا می‌سازد و مریدان بسیاری را گرد می‌آورد.

با توجه به مشخصات بنای قدمگاه به آسانی می‌توان پذیرفت که خانقاه و زاویه **خواجه علی** جای دیگری جز این محل نبوده و دلیل آنکه **خواجه علی** از دهنوارقان باین محل روی آورده چیزی جز استفاده از این مکان مناسب برای گرد ساختن یاران و مریدانش نبوده است.

از آنجا که یکی از هدفهای اساسی ما در این بررسی روشن ساختن زمان ایجاد این اثر و کاربرد نخستین آنست، جا دارد بدون آنکه بخواهیم به بحثی طولانی بپردازیم یادآور شویم که با توجه به جنبه‌های تکنیکی امر و ویژه‌گیهای جامعه تصوف ایران در قرن هفتم و بالاخره امکانات اقتصادی آنها، روشن است که ایجاد این اثر را بآن زمان نمیتوان نسبت داد. بنا بر این اثر مورد بحث ما باید به زمانهایی کهن‌تر تعلق داشته باشد و از آنجا که حالت و فضای داخل آن چنانست که بیش از هرچیز مناسب برای محل ستایش و عبادت میباشد جا دارد تا در زمینه ارتباط آن بایکی از آئین‌های کهن ایرانزمین به جستجو بپردازیم. در راه این جستجو برای آنکه به پیراهه کشانیده نشویم میکوشیم تا نخست به بررسی آثار شناخته شده مشابه آن

بپردازیم و با انجام مقایسه بین آنها، معیارهای مناسبی برای یک اظهار نظر منطقی و موجه بدست دهیم.

مقایسه این بنا با دیگر آثار شبیه آن:

در مورد مقایسه این اثر با دیگر بناهای شبیه آن تا آنجا که آگاهی‌های موجود نشان میدهد، تنها دو اثر را در خاک ایران کنونی میتوان یاد کرد، یکی در منطقه دشتی و تنگستان از بخش‌های شهرستان بوشهر و دیگری در دهکده «ورجووی» در شش کیلومتری مراغه. در بین آثار خارج از ایران نیز کهن‌ترین اثر صخره‌ای قابل مقایسه با این بنا عبارتست از آرامگاه معروف به «گنجینه آتره» در یونان از آثار «میسن»^۱ مربوط به پانزده قرن قبل از میلاد^۲.

— اینک در زیر به اختصار به شرح دوبنای مشابه واقع در سرزمین ایران می‌پردازیم.

معبد یا آرامگاه «کلات خورموج»:

این بنا در دامنه کوه موند واقع در سی کیلومتری جنوب «خورموج» در منطقه دشتی و تنگستان قرار دارد. بنای مزبور در ارتفاع شصت متری ایجاد شده و نمای آن عبارتست از یک پیشخان ورودی با سقف قوسی دور تمام که دو ورودی در داخل آن کنده شده است. در سمت راست و چپ این پیشخان شکافهایی مستطیل شکل بصورت نورگیر در صخره ایجاد شده که نور واحدهای مختلف بنای صخره‌ای را تأمین می‌ساخته است.

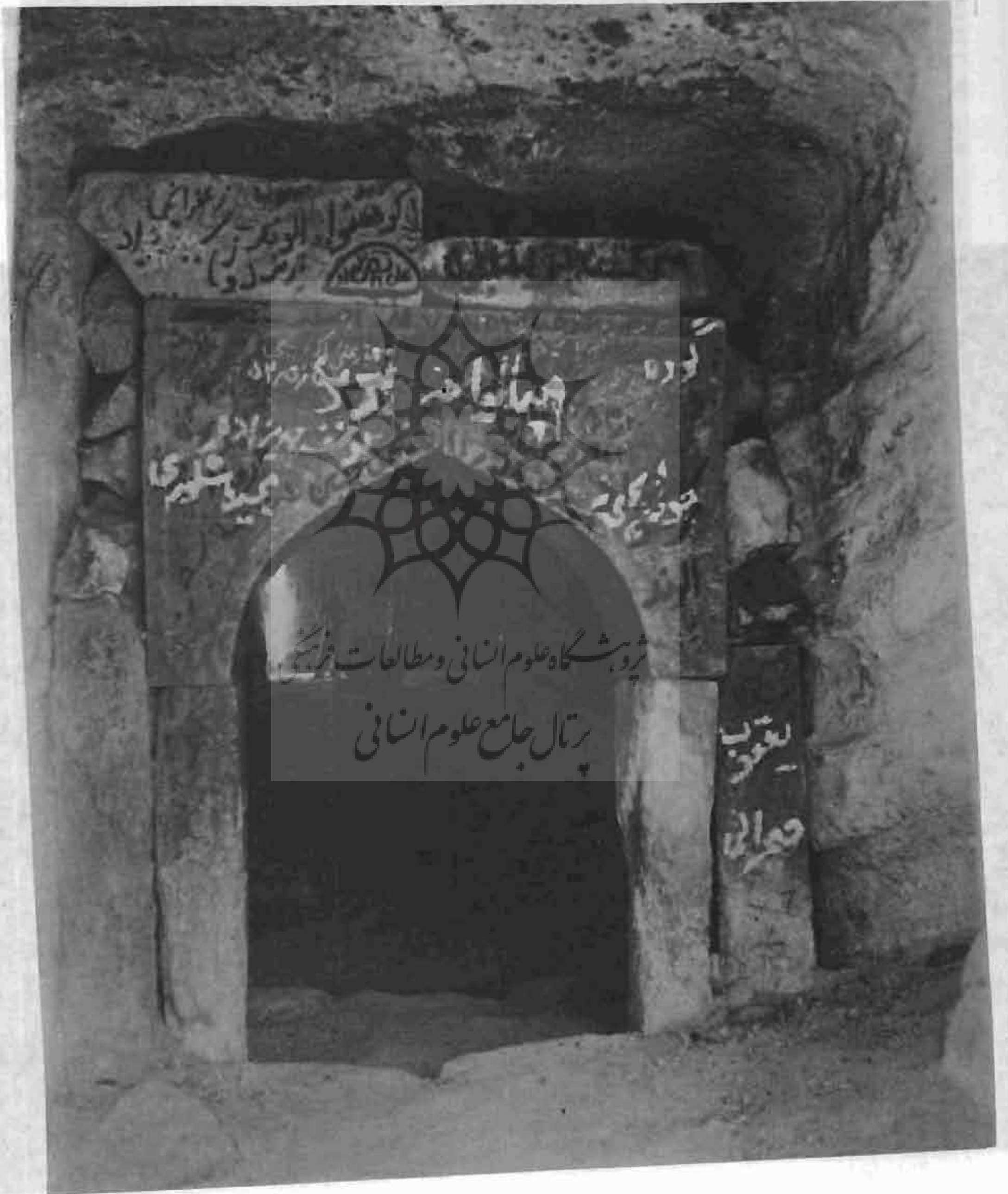
1- Trésor d'Atrée

2- Micen

۳- درباره این اثر که شباهت بسیار به بنای معبد قدمگاه دارد بی‌مناسبت نخواهد بود تا به اختصار مطالبی گفته شود. بنای آرامگاه معروف به «گنجینه آتره» را میتوان سرآغاز تحولی در زمینه معماری آرامگاهی در سرزمین تمدن «آژه» دانست. بنای مزبور عبارتست از یک محوطه دایره شکل که سقفی مخروط مانند بر فراز آنست در اطراف آن با خارج مربوط می‌سازد. تالار دایره شکل و سقف آن تمامی در صخره کنده شده و سپس روی دیواره آن با بلوکهای سنگ حجاری شده زینت گردیده است. بنای سقف نیز بکمک قطعه سنگهایی که بطور افقی رج به رج چیده شده و هرج از رج قبلی کمی پیش زده انجام گرفته است. بر فراز این سقف نظیر معبد قدمگاه روزنه‌ای قرار دارد که فضای داخل را روشن می‌سازد.

تصویر شماره ۳- در این عکس ورودی اصلی نیاشگاه که با سنگ حجاری شده برپا گشته، دیده میشود. یادگارهایی که با رنگ بر روی سنگ نوشته‌اند سبب گردیده تا نقش‌های کنده شده روی آن بخوبی دیده نشود.

Gravure No. 3 - Dans cette gravure on voit l'entrée originale du temple, érigée avec des pierres taillées. Les souvenirs peints avec de la peinture sur les pierres cachent en partie les reliefs sculptés sur les pierres.



شمال از همه کوتاهتر است. در محل برخورد دوبازو
 اتاق چهار گوشه‌ای بطول و عرض ۳ × ۳ متر وجود
 دارد که در واقع قلب مجموعه و مهمترین قسمت آنرا
 تشکیل میدهد و با احتمال بسیار محل برگزاری مراسم
 اصلی بوده است. نوك مخروط درزیر قسمت‌های بالائی
 صخره ختم شده و بنابراین هیچگونه روزنه‌ای از آن
 محل ندارد و چنانکه گفته شد نور این واحد و دیگر
 قسمت‌ها بوسیله شکافهای پنجره مانندی که در نمای این
 اثر شاهد آن هستیم تأمین میشود.

مجموعه مزبور در سه سطح ایجاد شده که به
 اعتباری بوسیله چاههایی چند بهم ارتباط مییافته‌اند.
 از واحدهای سه‌گانه آنچه مورد نظر ما است بخش اصلی
 این مجموعه میباشد که در قسمت میانی واقع شده
 است. این بخش مرکب است از يك طرح بعلاوه مانند
 که از برخورد دو راهرو به عرض سه متر در جهت
 شمالی - جنوبی و شرقی - غربی ایجاد شده است.
 بازوی سمت غرب از همه بلندتر و بازوی سمت

تصویر شماره ۴- در این تصویر راهروئی که در پشت ورودی سنگی قرار دارد و به محوطه داخلی راه
 میابد دیده میشود.

La gravure No. 4 montre le vestibule situé derrière l'entrée en pierre qui
 aboutit à l'intérieur du temple.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

تصویر شماره ۶- در این تصویر قسمتی از دیوار داخلی نیايشگاه دیده میشود. در قسمت پائین
عکس سایه روشنی که بر اثر تابش نور آفتاب از نورگیر بالای بنا حاصل شده چشم گیر است.
Gravure No. 6 - Sur la photo on voit une partie du mur intérieur du
temple. En bas le pénombre dessiné par le rayonnement du soleil tra-
versé par la lucarne du plafond, saute aux yeux.



در وسط اطاق چهارگوش و زیر سقف مخروطی آن سکوی سنگی وجود دارد که با احتمال محل قراردادن شیئی مقدس بوده که مراسم در پیرامون آن صورت می‌گرفته است.

لازمست یادآور شویم که وضع این سقف مخروطی و اثر تیشه و قلمی که بر روی جدار آن دیده میشود بخوبی روشن‌گر این امر است که چنین سری طبیعی نبوده و بر اثر تلاش حجارانی معتقد و سخت کوش بوجود آمده است.^۴

با توجه بآنچه که درباره این اثر گفته شد و با ملاحظه نقشه‌های مربوط بآن ملاحظه می‌گردد که سقف مزبور با آنچه که در معبد قدمگاه وجود دارد شباهت کامل دارد با این تفاوت که طرح آن بجای دایره، چهارگوش، ارتفاع آن کمتر و فاقد نورگیر واقع در نوك مخروط قدمگاه میباشد.

در مورد زمان ایجاد و مورد مصرف بنای کلات خورموج در وضع حاضر و تا انجام يك رشته بررسی‌های دقیق و کاوش‌های لازم امکان يك اظهار نظر روشن و صریح بدون اشکال نخواهد بود. بخصوص این امر در مورد زمان ایجاد اثر بیشتر صادق است. با اینحال شك نیست که ایجاد این اثر و دیگر آثار معماری صخره‌ای و از جمله معبد قدمگاه را نمیتوان از دوران شکوفائی آهن عقب‌تر برد. زیرا که خلق چنین آثاری ترك دردل صخره‌ها نیاز به ابزار کار پیشرفته آهنی داشته بنا بر این با توجه به حدود امکانات فنی است که میتوان دورترین حد زمانی خلق این آثار را مشخص ساخت. اما در باره کار برد و مورد مصرف این بنا بر روی سه نظر میتوان تکیه کرد:

الف - معبد

ب - آرامگاه

پ - معبد - آرامگاه.

در اینجا بدون آنکه بخواهیم وارد بحثی طولانی و اسامی در زمینه قبول یکی از این سه نظر بشویم لازمست یادآور شویم که بنظر ما مورد سوم یعنی مجموعه «معبد - آرامگاه» بیشتر میتواند درباره این اثر صادق باشد. زیرا که از یکسو واحد میانی بیش از هر چیز فضائی مناسب يك معبد و ستایشگاه را عرضه میدارد ولی از سوی دیگر واحدهای وابسته به آن و راههای ارتباطی چاه مانند آنها و بازوهای چهارگانه اطراف اطاق مرکزی تا حدی با مقبره‌های صخره‌ای فنیقی شباهت دارد. با این تفاوت که در آنها بجای گنبد مخروط

فراز اطاق مرکزی، چاه مکعب مستطیل شکلی قرار دارد، از ایترو میتوان پنداشت که از واحدهای پیوسته به اطاق مرکزی گنبددار بصورت آرامگاه استفاده میشده و تابوت مردگان و یا اسکلت‌آنها را در این محل‌ها قرار میداده‌اند.^۵

ستایشگاه صخره‌ای ورجووی:

این ستایشگاه در کنار ده‌سرسبز و بزرگ ورجووی و در محوطه گورستان کهن آن که حدود شش کیلومتر با مراغه فاصله دارد به‌گونه‌ای هنرمندانه در زیرزمین کنده شده است و بنام امامزاده معصوم معروف است. ستایشگاه ورجووی از چهار واحد مختلف تشکیل یافته که عبارتند از ۱- قسمت ورودی ۲- تالار مستطیل شکل بزرگ ۳- اطاق مدور سمت راست ۴- تالار مدور ستایشگاه.

سقف اطاق شماره ۳ واقع در سمت راست تالار مستطیل شکل و تالار پشت‌آن (واحد شماره ۴) هر دو در سنگ ایجاد شده ولی وسط سقف اطاق شماره ۴ که محل اصلی امامزاده میباشد بعلت نازک بودن پوسته سطح زمین فرو ریخته و بجای آن يك گنبد کم‌خیز عرقچینی با آجر برپا کرده‌اند. وضع سقف آن بخوبی نشان میدهد که پیش از ویرانی قسمت وسط، گنبدی در مایه مخروط کم ارتفاع داشته است.

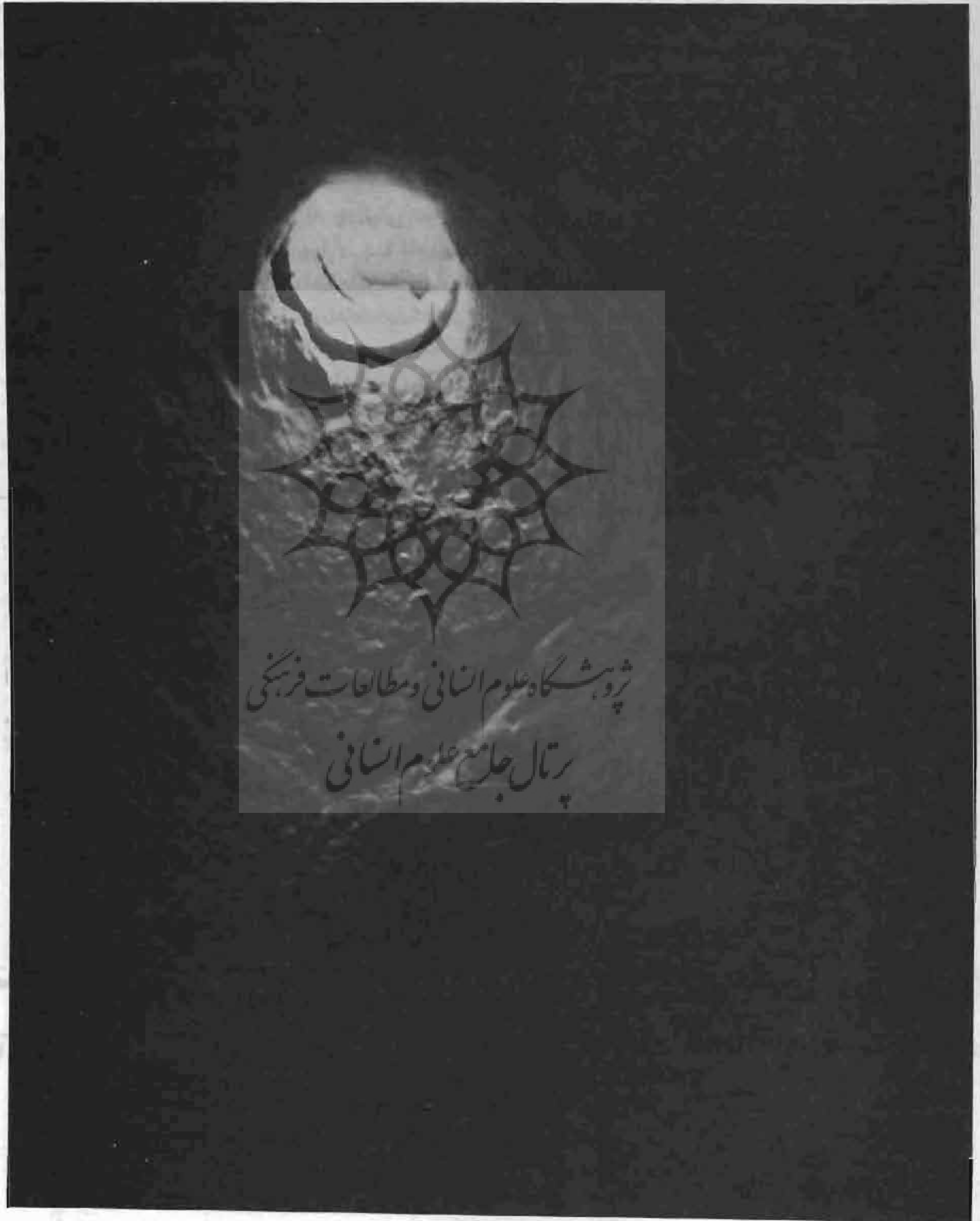
اطاق‌های مدور دوگانه ورجووی با اندازه کوچکتر بخوبی با تالار مدور ستایشگاه قدمگاه قابل مقایسه هستند. در اینجا باید یادآور شویم که ستایشگاه ورجووی را میتوان یکی و به اعتباری وسیع‌ترین مجموعه بنای صخره‌ای شناخته شده در ایران کنونی دانست.^۶

درباره ستایشگاه ورجووی و مورد استفاده آن با ذکر دلایل مختلف نظر نگارنده چنین است که میتوان آنرا يك معبد مهری دانست.

۴- برای اطلاعات بیشتر در باره این بنا به کتاب «آثار شهرهای باستانی سواحل و جزایر خلیج فارس و دریای عمان» نوشته محقق محترم آقای احمد اقتداری از انتشارات انجمن آثار ملی شماره ۶۵ تهران ۱۳۴۸ صفحه ۲۳۳ تا ۲۴۳ مراجعه فرمائید.
۵- در مورد کاربرد اینگونه بناهای صخره‌ای برای آرامگاه در نقاط مختلف خاورمیانه و در دورانهای مختلف به مقاله تحقیقی آقای مهرداد صمدی در کتاب «شهرهای باستانی سواحل و جزایر خلیج فارس و دریای عمان» صفحه ۲۴۳ تا ۲۵۱ مراجعه فرمائید.

تصویر شماره ۷- در این عکس سقف مخروطی نیاشگاه و نورگیر فراز آن نموده شده است. در این تصویر بنویس میتوان هنر معماران حجار را در ایجاد يك اثر ارزنده شاهد بود

La Gravure No. 7 montre le plafond cônica du temple et la lucarne installée en haut. Ici, on peut être témoin de l'art des architectes sculpteurs qui ont contribué à la construction de cet œuvre artistique.



بنای قدمگاه و مورد استفاده آن:

برای آنکه بتوانیم درباره مورد استفاده این اثر پرشکوه و به اعتباری استثنائی که در این سرزمین کهن قرار دارد مطلبی بیان داریم جا داشت تا نخست درباره نمونه‌های همسان آن و کاربردشان گفتگو کنیم. بنا بر این بنای صخره‌ای «کلات خورموج» و «ستایشگاه ورجووی» را معرفی کردیم و درباره آنها به اختصار به بحث پرداختیم. اینک با توجه به آنچه که گفته شد و توصیفی که درباره فضا و حالت خاص درون بنای قدمگاه صورت گرفت چنین بنظر میرسد که این بنا بیش از هر چیز به نیت ایجاد یک ستایشگاه خلق شده است. اما اینکه ستایشگاه مزبور به چه آئینی تعلق داشته است، شاید نتوان بی‌چون و چرا و با قاطعیت اظهار نظر کرد. ولی با شناسائی و اطلاعاتی که درباره ویژه‌گیهای ستایشگاههای برخی از آئین‌های بزرگ این سرزمین چون: مزدائی، زرتشتی، ناهید، هیسویت و اسلام داریم، میتوانیم بگوئیم که این بنا با ویژه‌گیهای هیچیک از پرستگاههای آنها مشابهتی ندارد و باید که

به آئینی خاص یا حال و فضائی وهم‌آفرین و خیال‌انگیز و اسرارآمیز تعلق داشته باشد.

همه آئینانی که با ویژه‌گیهای آئین مهری آشنائی دارند آگاهند که فضای کلی این آئین، فضائی است و هم آفرین و اسرارآمیز. این حالت در تمامی نمودهای این آئین قابل حس است: از اشاره سمبلیک به زایش مهر از دل صخره گرفته تا شرح ستیزها و زندگی پرجاذبه این ایزد و نحوه پذیرفتن و آزمایش گروندگان به آن و مراحل و مدارجی که پیروان وفادار این آئین می‌پیموده‌اند و بالاخره ستایشگاههای صخره‌ای و غار مانند آن همه و همه بیان‌کننده جنبه‌های نیرومند و سرشار از اسرار و وهم‌آفرینی این آئین است. با توضیحی که درباره چگونگی ستایشگاه قدمگاه و حالت خاص فضای پرجاذبه و وهم‌آفرین درون آن از یکسو و ورودی بیشتر و کم مخفی و اسرارآمیز آن بیان داشتیم، آیا نمیتوان آنرا ستایشگاهی وابسته به مذهب مهر دانست؟ شك نیست که با توجه به طرح و ویژه‌گیهای بنای برخی از معابد میترائی در مغرب زمین نسبت دادن معبد

(نقشه شماره 2)

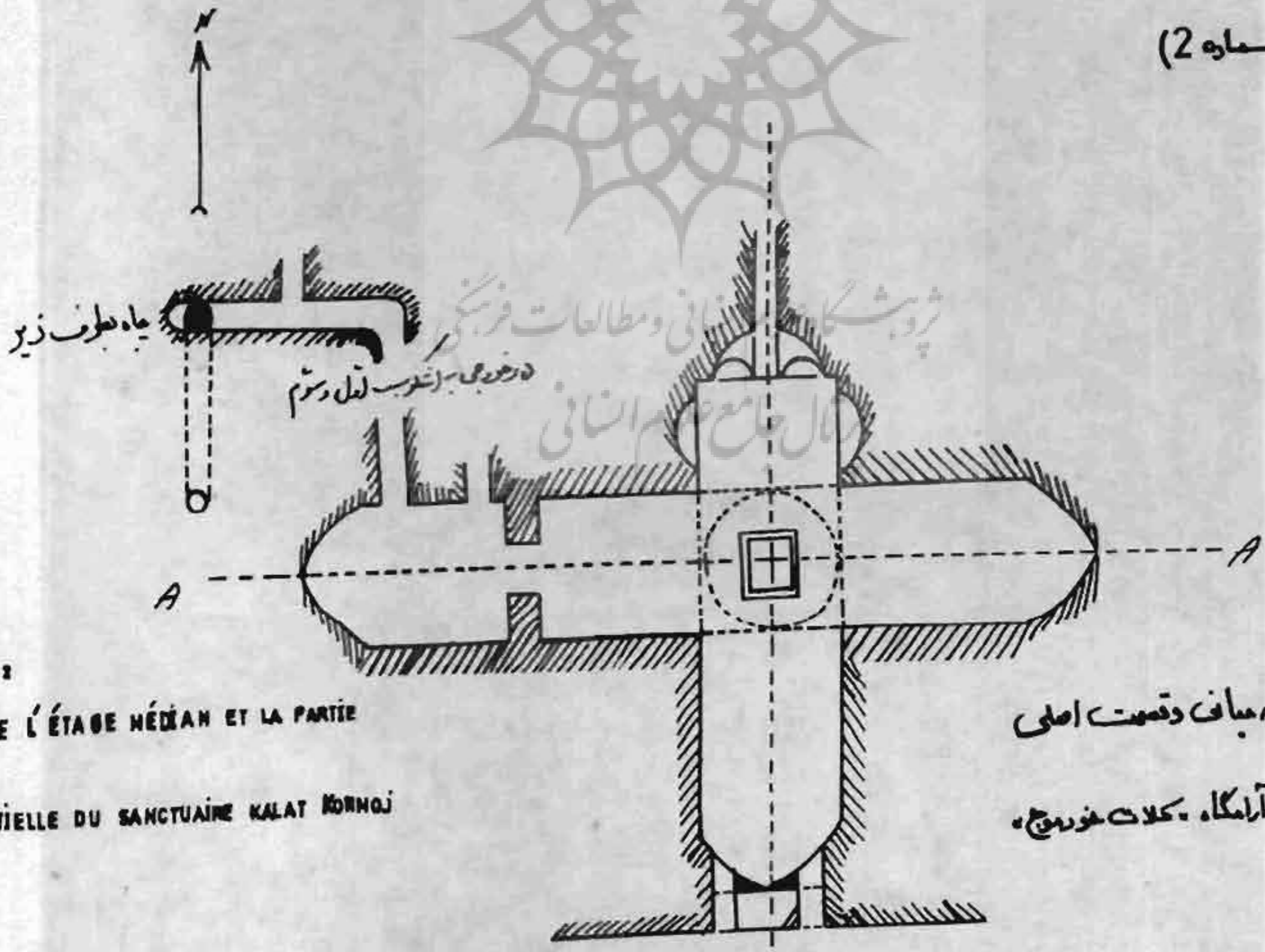


FIG. NO. 2
PLAN DE L'ÉTAPE MÉDIAN ET LA PARTIE
ESSENTIELLE DU SANCTUAIRE KALAT KORMOJ

نقشه طبقه میانی و قسمت اصلی
معبد یا آرامگاه «کلات خورموج»

ورودی از طاقی بزرگ

مقاله از صفحه ۳۳۸ کتاب آثار شرق

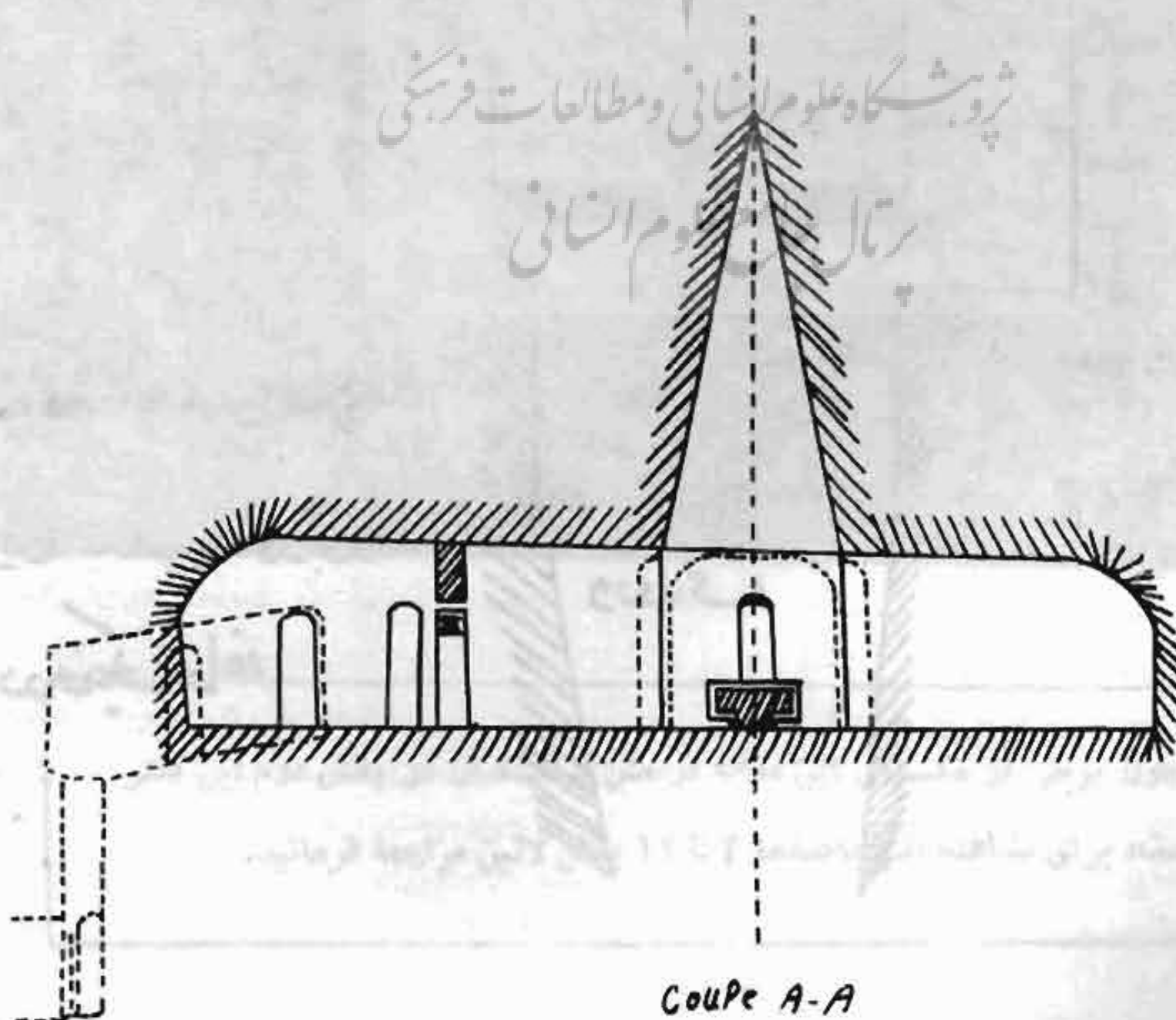
باصطفا صولحی و جزایر خلیج فارس

که آنها از نظر حالت طبیعی و یادآور ساختن غاری که با حوادث زندگی مهر ارتباطی نزدیک دارد، پیوندی فراوان دارند و به خوبی پاسخگوی تمامی آن ویژه گیهای هستند که برای، نیایشگاههای مهری عنوان شده است. نکته جالبی که جا دارد در پایان این نوشته بدان اشاره کنم اینست که در غرب ایران و بخصوص کردستان و آذربایجان پیش از هر ناحیه دیگر شاهد آئین‌ها و مسلك‌هایی هستیم که با آئین مهر پیوندی قابل درك دارند. ویژه گیها و اعتقادات «اهل حق» در منطقه دهخوارقان (آذر شهر) و مراغه به گونه‌ای حیرت‌آور هر پژوهنده ژرف‌نگری را متوجه این پیوند عمیق و انکارناپذیر می‌سازد. از اینرو عجیب نیست که ستایشگاههای مهری قرن‌ها بعد به زاویه و خانقاه و جایگاه عبادت اهل تصوف و اهل حق تبدیل شده باشد و به نیکوئی محفوظ مانده و همچنان استوار و پابرجا باشند.

مهری باین اثر بنظر بسیاری از محققان کاری خالی از اشکال نخواهد بود. ولی از نظر دور نداریم که حق این نیست تا طرح معابد مهری را در غرب، الگوی اصلی بدانیم و هرچه را که با آن تطبیق نداشت به کناری بگذاریم و با آئین مهر مربوطش ندانیم. زیرا که آئین مهر در سرزمین اصلی خود ایران، چون مغرب زمین ویژه گروهی معین از مردم نبوده و همانطور که از جانب شهریاران، جنگاوران و سپاهیان ستایش میشده، مورد توجه فراوان جامعه کشاورز و دامپرور ایرانزمین نیز بوده است و آنها او را حافظ چراگاهها و گشتزارها و رعه‌ها و محصولات خویش میدانسته‌اند و عامه مردم او را ایزد عهد و پیمان بشمار می‌آوردند بنابراین در هر جا که کوهساری بوده و غاری طبیعی و یا امکان ایجاد فضائی درون يك صخره وجود داشته است نسبت به بنای معبدی برای ستایش مهر اقدام میشده است. شکل و طرح معبدهای کنده شده در دل صخره‌ها بسته به جنس و میزان سستی و سختی سنگ و همچنین تعداد ستایش کنندگان و شرکت کنندگان در مراسم، به گونه‌های مختلف ایجاد شده است. نکته جالب درباره چند اثر معدودی که تاکنون در ایران شناخته شده اینست

۶- برای اطلاع بیشتر درباره این اثر جالب به مقاله زیر مراجعه فرمائید:
نیایشگاه مهری یا امامزاده معصوم و رجوی، - دکتر پرویز ورجاوند - مجله بررسیهای تاریخی شماره ۵ سال هفتم صفحه ۹۱-۱۰۰.

نقشه شماره ۳



نقشه معبد یا آلامگاه «کلات خورموج»

FIG. NO. 3

COUPE DU SANCTUAIRE KALAK-KORMEJ

Coupe A-A

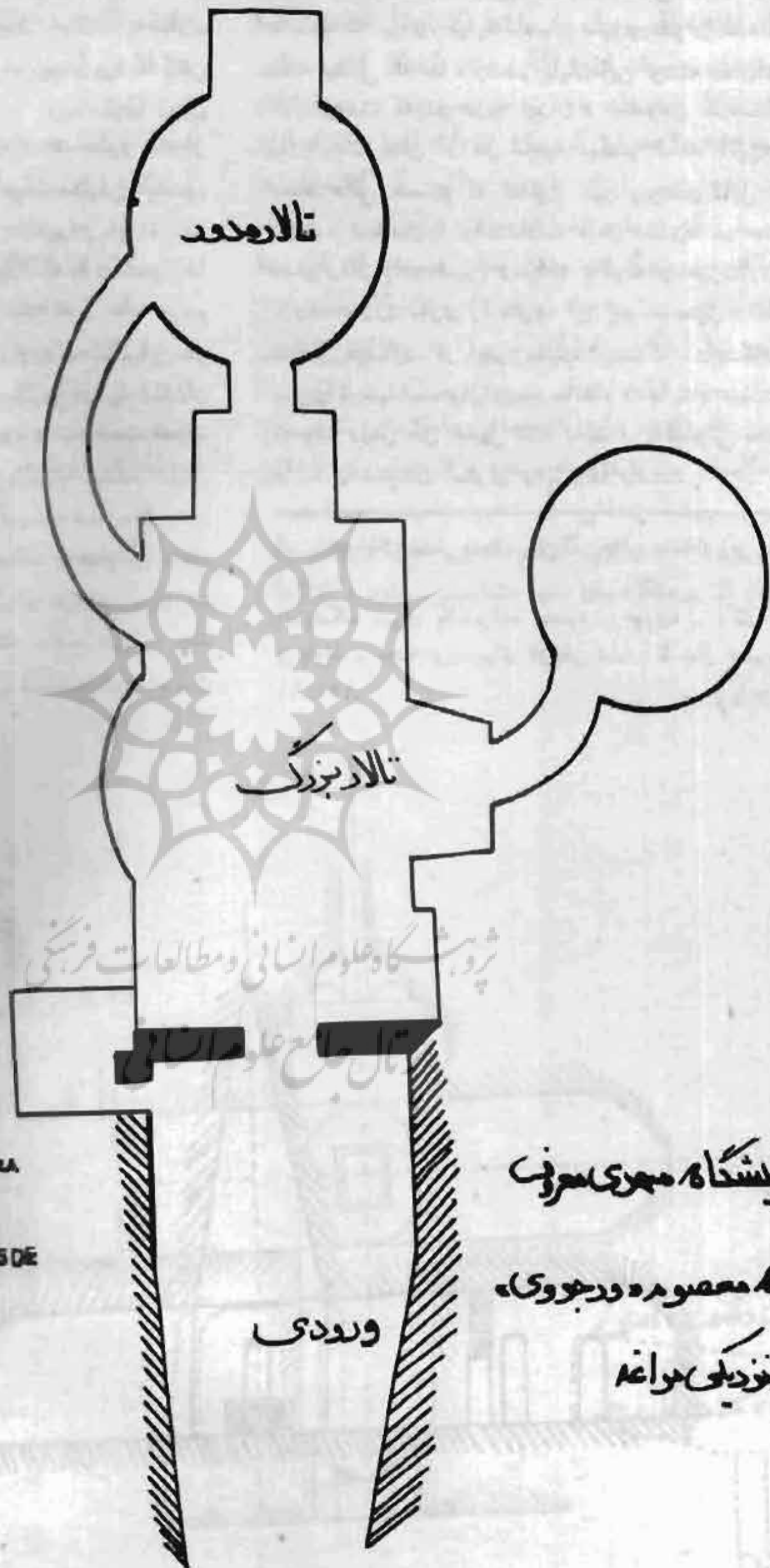


FIG. NO. 4
 LE CROQUIS DU TEMPLE DE MITHRA
 NOMMÉE IMANZADEH MASUM PRÈS DE
 MARAGHE

کردگی بنیادشگاه مهری معروف
 به امامزاده معصومه در جوی
 در نزدیکی مراغه

وردی

مقیاس ۱:۱۰۰

نمایه و توضیح: دایره و مربع و دایره

تصویر شماره ۸- نمای ورودی معبد بزرگ مهری «ورجوی» در نزدیکی مراغه معروف به امامزاده معصوم.

La Gravure No. 8 - Aspect de l'entrée du grand temple Mitra de Varjovi aux vicinities de la ville de Maragheh, connu sous le nom «d'Imamzade Ma'soum».



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

قابل توجه: چون برخی از عکسهای این مقاله در متن فرانسه آن در بخش دوم این دفتر آورده شده است، برای مشاهده آنها به صفحه ۲ تا ۱۱ بخش لاتین مراجعه فرمائید.